

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه

۰۵ جنوری ۲۰۲۵



یونس نگاه

گفت و گوی عباس استانکزی و مادر پیچه سفیدش

عباس استانکزی بعد از تهدید پاکستان وقتی به خانه رفته مادر پیچه سفیدش گفته که "عباس بچیم ده ای آخر عمری فامیدم که تو بی غیرت استی. شیرمه به تو نمی بخشم."

عباس گفته "چه شده مادر جان. شیر واری بچه داری، چطو فکر می کنی بی غیرت استم."

مادر استانکزی گفته که "بچیم، تو ره همسایا می گفتن نوکر پاکستان استی، مه باور نمی کنم. فکر می کنم دستت زیرسنگ اس، مجبور استی، نوکر نیستی."

عباس گفته که "ها مادر جان. همو تو است. ما از مجبوری به پاکستان پناه بردیم."

مادر استانکزی گفته، "او بچه بی غیرت تو به چی پی پاکستان مجبور بودی؟ تو که احمد و محمود و غزنی و بابر داری و هر طالبیت یک بم اتوم اس، منتظر چه وخت ماندی؟ چرا به جای نوکری پاکستان، ایقه وخت رفته فتح اش نکدی؟"

عباس گفته است که "مادر جان، وختش نبود."

مادر استانکزی گفته است: "وختش کی است؟ تو که می گی پنج طالب ره روان کنین تا بحر هنده می دوانین شان، خی چرا ماطل استین؟"

عباس گفته که "مادر جان، تازه افغانستان ره فتح کدیم. یک چند صباح خستگی بگیریم به خیر پاکستان ره هم فتح می کنیم."

مادر استانکزی گفته "بشی بچیم. مه که طرفت می بینم ریشتم هم ده گرو اس. تو لافوک استی و دروغ گوی. مه شیرمه به تو نمی بخشم. اگه راستی زورت می رسه چره قور قور می کنی؟ یکر است چپیش کو که ده کل دنیا عبرت شوه. همو امریکاگک هم هر روز سرتان شرط نمانه. اگه زورت نمی رسه چرا لافای مفت می زنی؟"

استانکزی می خواسته چیزی بگوید، مادرش طرف جای نماز خود رفته و به او گوش نداده است.